



دکتر فریدون سیامک‌نژاد

#### ■ مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌کنیم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌کنیم، بستگی به نوع کاری که داریم، همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مسأله یا احوالنا خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کارکردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد.

بنابراین، تصمیم گرفتم تا مسایل به وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

## یادداشت ۱

در مقابل پاسخ من هم که گفتم چنین دارویی وجود ندارد، تشکر کرد و رفت.

## یادداشت ۲

داروخانه ما در مکانی واقع است که اگر کسانی که برای مشاوره دارویی مراجعه می‌کنند، بیشتر از بیمارانی که برای تهیه دارو مراجعه می‌کنند نباشد، کمتر هم نیست. نماز ظهر و عصر مسجد کمیل تمام شده بود و از مسجد راهی داروخانه بودم که یکی از مراجعین دائمی داروخانه جلو آمد و بعد از سلام و علیک، یک بسته قرص مادوپار را نشانم داد و گفت: آقای دکتر! این دارو را خانم من برای حافظه‌اش می‌خورد، آیا خودم هم می‌توانم بخورم؟ برای ایشان شرح دادم که این دارو برای کنترل علائم پارکینسون است و ربطی به حافظه ندارد! البته، راجع به پارکینسون هم مختصری شرح دادم.

## یادداشت ۴

خانم حدوداً پنجاه ساله‌ای بود که ماسک می‌خواست. تکنیسین داروخانه از ایشان سؤال کرد که چه نوع ماسکی می‌خواهد؟ بلافاصله هم توضیح داد که ماسک معمولی داریم و ماسک فیلتردار. اول گفت: لطفاً ماسک معمولی بدهید. البته، سؤال هم کرد که ماسک فیلتردار، چه تفاوتی با ماسک معمولی دارد؟

من که تا حالا کنار ایستاده بودم و نظاره‌گر سؤال و جواب آن خانم با تکنیسین داروخانه بودم، وارد بحث شدم و به شوخی گفتم که ماسک فیلتردار،

علی‌رغم اینکه طبق گفته خودش، هفت بسته قرص نورواسک یا همان قرص آملودیپین خارجی داشت، باز هم برای تهیه آن به داروخانه مراجعه کرده بود و چون اخیراً گران شده بود، تهیه نکرده بود. گفتم چرا خارجی مصرف می‌کنی؟ قرص آملودیپین تولید داخل اثر بسیار خوبی دارد و بیماران و اطباء نیز از آن راضی هستند. می‌گفت برای صرفه‌جویی اقتصادی، یک روز خارجی می‌خورم، یک روز داخلی! تذکر دادم که بدترین نوع مصرف دارو، این شکل مصرف از سوی شما است. یا باید همیشه خارجی مصرف کنی و یا همیشه ایرانی، که توصیه می‌کنم همیشه تولید داخل را مصرف کنی.

## یادداشت ۲

مرد نسبتاً مسنی تقاضای قرص سرماخوردگی داشت. بلافاصله هم عنوان کرد: یک قرص سرماخوردگی بدهید که معده را دچار مشکل نکند. در مقابل سؤال من که مقصودش از مشکل معده چیست؟ پاسخ داد که دفعه قبل قرص سرماخوردگی خورده و دچار درد و سوزش معده شده است. بنابراین، دارویی می‌خواست که این مشکلات را ایجاد نکند. برای ایشان توضیح دادم که برای سرماخوردگی باید قرص مربوط به آن را مصرف کند و برای درد و سوزش معده هم، داروی خودش را استفاده نماید. بعد از تمام این حرف‌ها، ادامه داد که: اصلاً یک دارو بدهید که هم سرماخوردگی را خوب کند، هم درد معده را برطرف نماید!

دارو را به ایشان دادم، دستور مصرف آن را هم متذکر شدم و راهی‌اش کردم.

### یادداشت ۶

خانم حدوداً ۴۰ ساله‌ای بود که وقتی جلوی پیش‌خوان و مقابل من قرار گرفت، خطاب به من گفت: آقای دکتر! من چند روز قبل به پزشک پوست مراجعه کردم و پزشک برای خارش دستم، لوسیون لیندان داده است. دو بار از آن استفاده کرده‌ام، چون خارش دستم خوب نشده، درمان را ادامه ندادهام. آمده‌ام از شما سؤال کنم که آیا لوسیون لیندان را ادامه دهم، یا شما داروی دیگری را توصیه می‌کنید؟ برای ایشان توضیح دادم که شما حتماً لوسیون لیندان را تا تمام شدن بطری مصرف کنید. اگر خوب نشدید، آن را تکرار نکرده و حتماً به پزشک خود مراجعه کنید. هرچه اصرار کرد که بداند مشکل چیست، یک طوری از جواب طفره رفتم و به ایشان نگفتم که احتمالاً بیماری «گال» دارید!

مثل سیگار فیلتردار، باعث می‌شود که دود کمتر و هوای سالم‌تری وارد ریه‌هایتان می‌شود و می‌توان با آن، خاک زغال هم الک کرد!  
خانم هم بلافاصله گفت: لطفاً یک عدد ماسک فیلتردار بدهید!

### یادداشت ۵

نمی‌دانم چرا مردم این قدر به مصرف آنتی‌بیوتیک اعتقاد بلکه اعتیاد دارند! به هر علتی تقاضای آنتی‌بیوتیک از داروخانه می‌کنند و اصرار هم دارند که حتماً به صورت OTC تهیه کنند.  
خانمی برای فرزند هشت ساله‌اش، آموکسی‌سیلین به صورت شربت می‌خواست. می‌گفت عفونت دارد. گفتم اگر عفونت داشت، تب می‌کرد، ولی این بچه تب ندارد.  
گفت: سینه‌اش خِس خِس می‌کند.  
گفتم یک شربت سینه که حاوی آنتی‌هیستامین و ضداحتقان است، مسأله را حل می‌کند.

